

## انقلاب اکتبر و زنان کارگر

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و شکل‌گیری اتحاد جماهیر شوروی به همگان نشان داد که رهایی زنان تنها از دریچه‌ی انقلاب طبقه‌ی کارگر ممکن خواهد شد. سیاست‌های پی‌گرفته در اتحاد جماهیر شوروی دست‌کم تاثیر به‌سزایی در تحول وضعیت زنان از لحاظ حقوقی گذاشت. البته این سیاست‌ها تنها روی کاغذ پیگیری نشدند و جهت اجرایی شدن و یاری رساندن به ارتقای زنان کارگر و دهقان کارگروه‌های ویژه و هم‌چنین بازرسانی از خود کارگران و دهقانان برای نظارت بر آن‌ها تعیین شد.

پیش از آن زمان، کارگران روسیه با روز کاری ۱۳ تا ۱۴ ساعته در صنایع مشغول به کار بودند. زنان کارگر که نزدیک به یک‌سوم از این کارگران را تشکیل می‌دادند، دستمزدی برابر با نصف دستمزد یک مرد کارگر را دریافت می‌کردند. هیچ قانون کاری برای زنان کارگر وجود نداشت. نرخ سواد زنان تنها ۱۷ درصد بود و میانگین امید به زندگی در میان آن‌ها تنها ۳۴ سال. در روسیه، از سال ۱۹۰۰ بیش از پیش زنان بخش عمده‌ای از کارگران را تشکیل می‌دادند. این روند تا سال ۱۹۱۷ به گونه‌ای پیش رفت که تقریباً ۴۰ درصد از کارگران شاغل، زن بودند. اغلب، آن‌ها را در مشاغل پست با کمترین دستمزد به کار می‌گرفتند.

سال ۱۹۰۵ شدت اعتصابات کارگران در سراسر روسیه بالا گرفت. طی انقلاب ۱۹۰۵، به مدت یک ماه و نیم شوراهای کارگران با حضور کارگرانی از کارخانجات مختلف برپا شده بود. ۱۵۱ نماینده به عنوان نمایندگان کارگران کارخانه‌های در حال اعتصاب در این شوراها حضور داشتند. از این تعداد دست‌کم ۲۵ نفر از آنان را زنان کارگر تشکیل می‌دادند. انقلاب ۱۹۰۵ با شکست روبه‌رو شد اما بسیاری از زنان کارگر تحت تأثیر آن فضا به فعالیت‌های سیاسی جذب و به سازمان‌دهانی برجسته بدل شدند.

موج انقلابی تازه در بحبوحه‌ی جنگ جهانی اول، بار دیگر منجر به افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی شد. کمبود نان در پایتخت نآرامی‌ها را افزایش داد. زنان کارگر پس از گذراندن شیفت‌های طولانی مدت در کارخانه، در کنار سایر زنان از جمله خدمتکاران خانگی، خانه‌داران و بیوه‌های سربازان در صف نان می‌ایستادند. شایعاتی درباره‌ی جیره‌بندی نان پخش شده بود. اعتصاب‌ها افزایش یافت و زنان نیز در کنار دیگر افراد حضور پررنگی در آن داشتند. در فوریه‌ی سال ۱۹۱۷ حکومت تزار برچیده شد.

پس از انقلاب فوریه، حزب بلشویک<sup>۱</sup> به رهبری ولادیمیر لنین با متشکل کردن کارگران توانست با قیام علیه دولت موقت سازشکار با سرمایه‌داران، جمهوری کارگران را رقم زند. این حزب در میان زنان طبقه‌ی کارگر از حمایت توده‌ای برخوردار بود و این زنان به دولت شوروی به چشم اجراکننده‌ی تغییری بزرگ در زندگی خود می‌نگریستند.

سال ۱۹۱۸ نخستین کنگره‌ی سراسری زنان در شوروی برگزار شد و بیش از ۱۰۰۰ زن که اغلب کارگر بودند در آن شرکت کردند. حزب بلشویک<sup>۲</sup> که در انقلاب اکتبر رهبری جنبش کارگری روسیه را بر عهده داشت، بر اهمیت مشارکت زنان در ساخت جامعه‌ای نوین که بر مبنای ارزش‌های متفاوت با نظام سرمایه‌داری پایه‌گذاری شود، تاکید داشت. حضور گسترده‌ی زنان کارگر در نخستین کنگره‌ی زنان بر این امر صحنه می‌گذاشت. علاوه بر تصویب قوانینی نظیر قانونی کردن سقط جنین، اعطای حق رأی زنان، مرخصی زایمان با حقوق و مراقبت رایگان کودکان در کودکانستان‌ها و راه‌اندازی غذاخوری‌ها و خشک‌شویی‌های عمومی از سوی دولت، انجام کار ویژه‌ای میان زنان برای زودن اثرات قرن‌ها سرکوب و ستم، از ضروریات بود. ژنوتدل<sup>۳</sup> به عنوان بخشی از حزب که چنین وظیفه‌ای را برعهده داشت، در سپتامبر ۱۹۱۹ طی جنگ داخلی برپا شد.

با وجود اینکه شوروی در آن هنگام، از سوی کشورهای دیگر تهدید می‌شد و درگیر قحطی و جنگ داخلی بود، مبارزه با ستم بر زنان مسئله‌ای نبود که به زمانی دیگر موکول شود و از اهمیت بسیاری برخوردار بود؛ زیرا انقلاب طبقه‌ی کارگر برای موفقیت خود، به نقش‌آفرینی زنان کارگر هم‌پای مردان نیاز داشت.

در شش ماه نخست انقلاب، تمامی قوانین تبعیض آمیز علیه زنان حذف شدند. مدت زمان یک روز کاری به هشت ساعت تغییر یافت. استفاده از زنان کارگر در شیفت‌های شب ممنوع اعلام شد. استفاده از مرخصی زایمان ۱۶ هفته‌ای تصویب شد و برای نخستین بار در جهان، امکان ترک کار در دوره‌ی قاعدگی برای زنان کارگر لحاظ شد. مادران کارگری که نوزاد شیرخوار داشتند حق استفاده از امتیازی را داشتند که به موجب آن هر ۳ ساعت می‌توانستند به نوزاد خود شیر دهند. حداقل دستمزد برای زنان و مردان برابر در نظر گرفته شد. در حالی که این قوانین چندین دهه بعد تحت فشار مبارزات طبقاتی‌ای که از نمونه‌ی شوروی الهام گرفته بودند، به دست دولت‌های سرمایه‌داری در کشورهای دیگر تصویب شدند.

فرصت کارآموزی در کارخانه‌ها، حضور در مدارس فنی حرفه‌ای و بهره‌مندی از آموزش‌ها در محل کار برای زنان برقرار شد تا به رشد مهارت‌های‌شان کمک کند. در حالی که تعداد زنان شاغل افزایش می‌یافت، دولت زیرساخت‌هایی را فراهم ساخت تا بار مضاعف وظایف خانگی که عمدتاً بر دوش زنان بود، از بین رود. به این منظور، دولت سوسیالیستی شبکه‌ی بزرگی از مراکز نگهداری از کودکان، نهارخوری‌های و خشک‌شویی‌های عمومی را برپا کرد. در نتیجه‌ی این طرح‌ها زنان کارگر بار کمتری را بر دوش می‌کشیدند و امکان بیشتری برای حضور در فعالیت‌های اجتماعی یافتند. در نتیجه زنان در بازسازی جامعه‌ی سوسیالیستی از نقشی اساسی برخوردار شدند.

اولین دستوری که ژنوتدل صادر کرد حضور یک نماینده در هر کارخانه بود. جنگ جهانی اول و جنگ داخلی سبب شده بود که زنان تا سال ۱۹۲۰، ۴۲ درصد از نیروی کار صنعتی در پتروگراد را تشکیل دهند. نماینده می‌بایست بر قوانین مرتبط با طول یک روز کار، کار شبانه، اضافه‌کاری، زنان باردار و مادران نظارت کند. داوطلبان حاضر در ژنوتدل برای پیش‌برد اهداف انقلاب کارگری، مسافت‌های طولانی‌ای را از خانه‌های خود تا کارخانجات و روستاهایی در مناطق دورافتاده طی می‌کردند. برگزاری جلساتی برای زنان، به نمایش گذاشتن فیلم و اجرای تئاتر و برپایی کلاس‌های سوادآموزی از جمله اقدامات آنان بود.

بیش از ۱۲۵۰۰۰ مدرسه‌ی سوادآموزی راه‌اندازی شد. ژنوتدل نشریاتی با موضوعات گوناگون از اجتماعی‌کردن نگهداری از کودکان تا لحاظ کردن طرح‌هایی برای تسهیلات همگانی را منتشر کرد. هیئت‌های نمایندگان به مدت سه تا شش ماه وظایف خود را به صورت چرخشی انجام می‌دادند: زنان محلی برگزیده می‌شدند و از آن‌ها تقاضا می‌شد که در کمیته‌های منطقه‌ای، سازماندهی نهادهای عمومی، کارهای حزبی، دادگاه‌های مردمی و امورات مربوط به جنگ شرکت کنند و سپس به ناحیه‌ی محل خود گزارش دهند. بسیاری از زنان برای نخستین بار از محیط‌های منزوی خود بیرون آمده بودند. مشارکت در این امور بر تمایل آن‌ها به کسب آگاهی بیشتر افزوده بود. طبق گزارش‌های سال ۱۹۲۶، ۴۶۰۰۰ نماینده در شهرها و ۱۰۰۰۰۰ نماینده در روستاها وجود داشت.

ژنوتدل آغاز به برنامه‌ریزی برای فعالیت میان زنان محجبه‌ی جوامع سنتی مسلمان کرد. در مقایسه با زنان کارگر در مسکو و پتروگراد، زندگی هم‌تایان آن‌ها در آسیای مرکزی پس از رویدادهای ۱۹۱۷ دست نخورده باقی مانده بود. ژنوتدل تمرکز اصلی خود را بر روی منطقه‌ی ازبکستان گذاشت، جامعه‌ای که زنان به شدت در آن منزوی بودند. کلوب‌های زنان در آن مناطق برپا شد و زنان از طریق این کلوب‌ها می‌توانستند در فعالیت‌های اقتصادی، آموزشی و فرهنگی شرکت کنند. تعصبات سنتی میان مردان کارگر و دهقان فعالیت در این مناطق را سخت‌تر می‌کرد. ژنوتدل در همکاری با دیگر ارگان‌های حزب در صدد تقویت مبارزه علیه تعصبات نسبت به زنان برآمد که ریشه‌های عمیقی در مردان داشت. در نتیجه شروع به آموزش مردان کارگر و دهقان کردند و بر منافع مشترک میان زنان و مردان تاکید شد. امکانات موجود برای زنان بومی در این کلوب‌ها عبارت بودند از: مشاوره‌های پزشکی با یک پزشک زن، نهارخوری، شیرخوارگاه و مهدکودک. کارهایی چون صحافی کتاب، بافندگی، خیاطی، تولید کفش و تعاونی‌های نخ‌ریسی پشم. یک مدرسه در کلوب‌ها، اجرای کلاس‌های سوادآموزی و آموزش ابتدایی و تبلیغات

سیاسی را برعهده داشت. کلوب‌ها به زنان محصور در خانه این امکان را داد که به تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها و شوراهای وارد شوند و نقشی در جامعه بر عهده گیرند.

الکساندرا آرتوکینا از سال ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰ ریاست ژنوتدل را بر عهده داشت. او دختر یک کارگر ماشین‌بافی بود و خودش نیز از ۱۲ سالگی در یک کارخانه‌ی نساجی شروع به کار کرد. او در سال ۱۹۰۷ به کلوب‌های زنان کارگر پیوست و بعدها به حزب بلشویک پیوست و در انقلاب ۱۹۱۷ شرکت داشت. پیش از انقلاب آرتوکینا بارها به دلیل سازماندهی زنان در کارخانجات نساجی دستگیر شده بود. کلاودیا نیکولایوا یکی از زنان کارگر سازمان‌ده و دختر زنی رخت‌شوی بود که از هشت سالگی شروع به کار کرد. نیکولایوا نیز در کلوب‌های زنان شرکت می‌کرد. او در سال ۱۹۰۹ به عضویت حزب در آمد و از سال ۱۹۲۴ تا ۱۹۲۷ ریاست ژنوتدل را بر عهده داشت. اکثر اعضای ژنوتدل را کارگران کارخانجات نساجی، کارگاه‌های دوزندگی، همسران سربازان، زنان بیوه‌ی روستایی و کارگران فاقد زمین در حومه‌ی شهر تشکیل می‌دادند. این افراد به عنوان نماینده برای خدمت به کارآموزی در شاخه‌های مختلف دولت انتخاب شدند. ژنوتدل تاثیر مهمی در هزاران زن داشت که در این فعالیت‌ها شرکت داشتند.

پی‌گیری مسیر رهایی زنان با مشقاتی نیز همراه بود. زنان حزبی می‌بایست برخی از رفقای مرد خود را نیز قانع کنند که وجود کارگروهی ویژه برای زنان امری است ضروری. حمایت‌لنین از برپایی چنین کارگروهی در جهت ساخت جامعه‌ای نوین و پی‌گیری زنان مبارز حزب چون اینسا آرماند و الکساندر کولنتای منجر به شکل‌گیری ژنوتدل شد. عقب‌ماندگی فرهنگی، شرایط جنگی و فشارهای بین‌المللی راهی پرسنگلاخ را پیش روی‌شان گذاشته بود. کارفرمایان و کارخانه‌داران در برابر قوانینی چون ممنوعیت کار شبانه برای زنان و مرخصی زایمان ابراز نارضایتی می‌کردند زیرا آن را به عنوان یک بار مالی اضافی می‌دیدند. فشارهای جهانی منجر به افزایش بیکاری در جمهوری شوروی شده بود و زنان که اغلب کارگران ناماهر بودند، نخستین گزینه‌ی اخراج به شمار می‌آمدند. در این وضعیت ژنوتدل در سال ۱۹۲۴ برای جلوگیری از اخراج زنان به دست کارفرمایان ناراضی از قوانین، ناچار به لغو ممنوعیت کار شبانه برای زنان شد. در سال‌های پس از انقلاب، ناسیونالیسم روسی بر روند ساخت جامعه‌ی کمونیستی چیره شد و دستاوردهای زنان در ژنوتدل را به یغما برد. ژنوتدل تا سال ۱۹۳۰ به کار خود ادامه داد و پس از آن به بهانه‌ی به انجام رساندن وظیفه‌اش و عدم نیاز به آن منحل شد.

شناخت حکومت کارگری روسیه، آشنایی با تجارب درخشان کارگران طی مبارزه و در مسیر ساخت جامعه‌ی نوین عاری از طبقات، آگاهی از حوادث پیش‌رو و نقاط ضعف موجود در آن، برای مبارزات طبقه‌ی کارگر در ایران و جهان ضروری است. مشارکت و هم‌گامی زنان کارگر با مردان کارگر در مبارزه برای نابودی نظام بهره‌کشی و حفظ دستاوردهای آن تنها راهی است که به ساخت جامعه‌ای نوین یاری می‌رساند.

---

۱ بلشویک به معنای اکثریت است. این نام‌گذاری ابتدا در زمان اختلاف نظر درون حزب سوسیال دموکرات روسیه در سال ۱۹۰۳ مطرح شد. جناح مقابل یا نام منشویک به معنای اقلیت شناخته می‌شد. اختلاف نظر اولیه پیرامون تعریف عضو حزب بود. بلشویک‌ها به رهبری لنین خواهان انضباط و سخت‌گیری بیشتر در عضوگیری بودند. پس از آن در سال ۱۹۱۲ این دو جناح به طور کامل از هم جدا شدند زیرا آن اختلاف نظر اولیه به گسترده‌ی افق و برنامه‌ی سیاسی در زمینه‌ی نقش طبقه‌ی کارگر در تحولات انقلابی آینده کشیده شد. برای آشنایی بیشتر پیرامون این مباحث به کتاب مرد انقلابی و ابزار کارش نوشته‌ی ای اچ کار رجوع کنید.

۲ از سال ۱۹۱۸، نام حزب به حزب کمونیست تمام روسیه تغییر یافت.

۳ Zhenotdel، بخش زنان حزب کمونیست روسیه از سال ۱۹۱۸.